

نقش زنان در معنابخشی به زندگی خانوادگی و اجتماعی

ما در جامعه امروزی، مادران بی‌شماری را می‌یابیم که نگران تربیت معنوی فرزندان خود، آنها را تحت آموزش‌های مختلف از این جلسه به آن جلسه و از این معلم به آن معلم می‌برند! درحالی‌که الگوی اصلی در مقابل چشمان کودکان، در حقیقت خودشان هستند.

به گزارش سایت خبری پرسون، وقتی از معنویت سخن به میان می‌آید، گذر از زبَدی که ناپایدار است و رسیدن به مغز و اصل چیزی که نفع واقعی انسان را در بر دارد، متبادر به ذهن می‌شود. در حقیقت معنویت تلاشی برای وانهادن ادراکات غیرواقعی و درک زندگی واقعی است. تلاشی که به زندگی جهت می‌دهد، برای آن هدف تعیین می‌کند و مسیر انسان را به سوی تکامل رهبری می‌کند.

اما نقش زنان در معنویت‌بخشی به زندگی چیست؟ چگونه زنان می‌توانند هم به زندگی خود و هم به اجتماع کوچک (خانواده) و اجتماع بزرگ (جامعه) معنا بخشند؟

دکتر مژگان خان‌بابا، مشاور امور بانوان معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و استاد دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه، به بررسی نقش زنان در معنویت‌بخشی به زندگی پرداخته است.

معنویت: تلاشی برای درک زندگی واقعی

«معنوی و معنویت» منسوب به معنا، غالباً در مقابل ظاهری، مادی و صوری به کار می‌رود. واژه «معنویت» را شاید بتوان با این آیه قرآن به خوبی بیان کرد: «كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّيْدُ فَيُذْهِبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ» (سوره رعد؛ آیه ۱۷) در این آیه حق ثابت و ماندنی، و باطل همچون کف روی آب، ناپایدار و زوال‌پذیر معرفی شده است. این آیه می‌تواند مقایسه ظاهر و معنا باشد.

وقتی از معنویت سخن به میان می‌آید، گذر از زبَدی که ناپایدار است و رسیدن به مغز و اصل چیزی که نفع واقعی انسان را در بر دارد، متبادر به ذهن می‌شود. در حقیقت معنویت تلاشی برای وانهادن ادراکات غیرواقعی و درک زندگی واقعی است. تلاشی که به زندگی جهت می‌دهد، برای آن هدف تعیین می‌کند و مسیر انسان را به سوی تکامل رهبری می‌کند.

اما نقش زنان در معنویت‌بخشی به زندگی چیست؟ چگونه زنان می‌توانند هم به زندگی خود و هم به اجتماع کوچک (خانواده) و اجتماع بزرگ (جامعه) معنا بخشند؟

نقش زنان در معنویت‌بخشی به زندگی

برای رسیدن به پاسخ این سؤالات، کافی است تنها به یکی از روایات قرآنی، آن هم روایتی که تنها در آن روایت، نام زنی به صراحت آمده است، مراجعه کنیم. داستان حضرت مریم بنت عمران، یکی از چهار زن برگزیده عالم که مادرش پس از وضع حمل از اینکه دختری زاده، نگران است: «وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنثَى» (آل عمران/ آیه ۳۶)

اما همین دختر چنان به تربیت معنوی خود مشغول می‌شود و از خود آغاز می‌کند که سرمشق و الگوی پیامبر خدا می‌گردد: «كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا» (همان سوره/ آیه ۳۷) پیامبری که خود متصل به منبع وحی است، می‌پرسد: «يَا مَرْيَمُ أَنْتِ لَكِ هَذَا» (همان آیه).

شاید این بخش از آیه همان حلقه مفقوده در جامعه زنان امروزی باشد. ما در جامعه امروزی، مادران بی‌شماری را می‌یابیم که نگران تربیت معنوی فرزندان خود، آنها را تحت آموزش‌های مختلف از این جلسه به آن جلسه و از این معلم به آن معلم می‌برند! درحالی‌که الگوی اصلی در مقابل چشمان کودکان، درحقیقت خودشان هستند.

آنها غافل از اینکه شبانه‌روز توسط فرزندان‌شان رصد می‌شوند و فرزندان آنها با چشمانی تیزبین الگوهای زندگی خود را در مادران خود جستجو می‌کنند، به جای پرداختن به رشد معنوی خود، فرزندان را به دست کسان دیگری، خواسته یا ناخواسته می‌سپارند و از نقش اصلی خود در این فرایند کاملاً غافل می‌شوند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ» (المائدة/ ۱۰۵)

در روایت حضرت مریم سلام الله علیها، هر بار حضرت زکریا علیه السلام نزد او می‌رود، رزقی می‌بیند: هر بار رزقی، یعنی هر بار ثمره و پاداش فعلی الهی متفاوت از دیروز و فردا.

معنویت و معنابخشی یعنی پرهیز از تکرار و روزمرگی

معنویت و معنابخشی یعنی پرهیز از تکرار و روزمرگی: «مَنْ اسْتَوَى يَوْمَهُ فَهُوَ مَعْبُودٌ» این الگو چنان تأثیرگذار است که پیامبر الهی را به حرکت درآورده، او را از ناامیدی از درگاه الهی که متناسب با شأن پیامبری‌اش نیست، به سوی امید «رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً» (همان سوره/ آیه ۳۸) و امیدبخشی: «وَأَمْرَاتِي عَاقِرٌ» (همان سوره/ آیه ۴۰) به حرکت درمی‌آورد.

آنچه که از زنان در جامعه امروزی انتظار می‌رود؛ یعنی توجه به معنویت و پرهیز از روزمرگی و معنابخشی به زندگی خود و اطرافیان (خانواده)، ایجاد شوق، پویایی، تحرک و نشاط معنوی در زندگی با متصل شدن به خالق هستی و ایجاد رابطه دوستی با تنها دوست اطمینان‌بخش و مطمئن: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (الرعد/ آیه ۲۸)

سپس داستان از انحصار در خانواده و اطرافیان درآمده، خطاب آن جهانی می‌شود: «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (همان سوره/ آیه ۴۲) رسالت مریمی که در واقع پیامبر نیست، از حوزه خانواده و عشیره به جهانیان گسترش می‌یابد.

این داستان، ذهن خواننده را به رسالت پیامبران بزرگ الهی و از جمله پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله نزدیک و منتقل می‌کند. آنجا که از حوزه عشیره و خانواده: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (الشعراء / ۲۱۴) و مخاطبین خاص «رَحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ» (قریش/ آیه ۲) به دعوتی جهانی: «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (الحجر/ آیه ۹۵) گسترش می‌یابد.

رسالت معنوی حضرت مریم سلام الله علیها از خود شروع می‌شود، به خانواده می‌رسد و از آنجا به خارج از خانواده و جهانیان منتقل می‌شود. این، نقش معنوی یک زن از نگاه قرآنی است.